

اگر می‌توانید هر روز را، نوروز کنید؛
یعنی در راه خدا به یکدیگر هدیه بدهید و با یکدیگر پیوند داشته باشید.

ویژه‌نامه کودک هرمزگان شماره ۷، ضمیمه رایگان روزنامه صبح‌ساحل شماره ۴۵۸۴، چهارشنبه ۲۱ اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۱

داستان کوتاه

نویسنده: باران آزاد



سعید از بس نقاشی کشید و پاره‌کرد، دفترش تمام شده بود. به زمین و آسمان نگاه می‌کرد و مداد را توی دهانش می‌پیچ‌رخاند تا یک موضوع جدید برای نقاشی پیدا کند، اما نمی‌شد. تا این‌که یک تکه ابر سیاه در آسمان توجه او را جلب کرد. به پنجره نزدیک شد و به آسمان نگاه کرد. آسمان آبی و صاف این تکه ابر سیاه از کجا آمده بود. با ترس به طرف پدرش که مشغول کار در باغچه بود رفت و فریاد زد: بابا، بابا، این ابر ترسناک را ببین ... پدر نگاهی به آسمان می‌اندازد و می‌گوید: حتما جایی دودی و یا آتشی روشن کردند که دودهای آلوده مثل یک ابر سیاه در آسمان به وجود آمدند. نترس حتما باد این ابر را با خودش انقدر دور می‌برد که چیزی از آن دیده نمی‌شود. سعید به پرنده‌های آسمان نگاه کرد و گفت اگر آن‌ها در هوای آلوده، زمین آلوده، دریای آلوده باشند، بیچاره‌ها نابود می‌شوند. در همین فکر بود که ناگهان موضوع نقاشی به ذهنش رسید. پس به طرف مداد رنگی‌هایش رفت و شروع کرد به کشیدن یک زمین پاک، با هوای آبی و پاک و دریایی آبی. او آرزو کرد دنیایی پر از سلامتی وجود داشته باشد.

صحبت دیر

هانیه هادی‌نژاد



دوستان همیشه همراه سلام
اردیبهشت زیبا با هزاران گل و شکوفه و
زیبایی از راه رسید. برای ما هرمزگانی‌ها
آغاز دومین ماه بهار، با روز ملی خلیج‌فارس
همراه بود. روزی بسیار مهم و ارزشمند که
تمام ایران این روز را جشن می‌گیرند و هنوز
به نیمه دوم ماه نرسیده روز معلم را در کنار
شما جشن گرفتیم.
آرزو میکنیم تا پایان اردیبهشت بهترین‌ها
برای شما اتفاق بیفتد.



من میدانم که:

من میدانم که همیشه ممکن
است اتفاقات بدون خبر
بیافتند، پس برای اینکه هیچ
وقت غافل گیر نشوم به
توصیه های پدر و مادر و
بزرگترها گوش میکنم.



یادداشت روزانه من:

سلام نمودم. امروز است. من صبح ساعت
بیدار شدم. و برای اینکه بتوانم یک روز
پرانرژی داشته باشم، اول نمودم.
دوست دارم همین امروز به کارهای عقب‌افتاده خودم
برسم و مثلاً
غیب من حالمی فوادم کتاب بفوانم. اسم کتاب من
..... است. بعد از خواندن کتاب حتماً با هم
یادداشت می‌نویسم.

نوشته.....

